

چنانکه قرآن در نخستین آیه مورد بحث می‌گوید: هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده شود کافران مغرور و ستمگر، به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند کدامیک از دو گروه ما و شما جایگاهش بهتر، جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بذل و بخشش او بیشتر است؟ (و اذاتتلی علیهم آیاتنا بینات قال الذین کفروا للذین آمنوا ای الفریقین خیر مقاما و احسن ندیا).
مخصوصا در روایات اسلامی می‌خوانیم که این گروه اشرافی و مترف، زیباترین لباسهایشان را میپوشیدند و زینت میکردند، جلو یاران رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) راه میرفتند و نگاه تحقیر و تمسخرآمیز به آنها میکردند، آری این است راه و رسم این طبقه در هر عصر و زمان.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۲۳

«ندی» در اصل از «ندی» به معنی رطوبت گرفته شده است، و سپس به معنی افراد فصیح و سخنگو آمده.
چرا که یکی از شرائط قدرت بر تکلم داشتن آب دهان به قدر کافی است و از آن پس «ندا» به معنی مجالست و سخن گفتن، و حتی مجلسی را که جمعی در آن برای انس جمع میشوند یا به مشورت می‌نشینند «نادی» گفته می‌شود، و «دار الندوه» که محلی بود در مکه و سران در آنجا جمع میشدند و مشورت میکردند از همین معنی گرفته شده است.
ضمنا از سخاوت و بذل و بخشش گاه به «ندی» تعبیر می‌کنند و آیه فوق ممکن است اشاره به همه اینها باشد، یعنی مجلس انس ما از شما زیباتر و پول و ثروت و زرق و برق و لباسمان جالبتر، و سخنان و اشعار فصیح و بلیغمان بهتر و رساتر است!

ولی قرآن با بیانی کاملا مستدل و در عین حال قاطع و کوبنده، به آنها چنین پاسخ می‌گوید: اینها گویا فراموش کرده‌اند تاریخ گذشته بشر را: «اقوام بیشماری پیش از آنها بود که مال و ثروت و وسائل زندگانی‌شان از اینها بهتر بود و هم منظره و ظاهرشان آراسته‌تر، اما ما این گروه ستمکار را نابود کردیم و از میان برداشتیم»

(و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم احسن اثا و رثا).

آیا پول و ثروت آنها و مجالس پر زرق و برق و لباسهای فاخر و چهره‌های زیبایشان توانست جلو عذاب الهی را بگیرد؟ اگر اینها دلیل بر شخصیت و مقامشان در پیشگاه خدا بود چرا به چنان سرنوشت شومی گرفتار شدند. زرق و برق دنیا آنچنان ناپایدار است که با نسیم مختصری نه تنها دفترش به هم میخورد بلکه گاهی طومارش درهم پیچیده می‌شود.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۲۴

«قرن» - همانگونه که در گذشته (جلد پنجم صفحه ۱۵۶) گفته‌ایم معمولاً به معنی یک زمان طولانی است، ولی چون از ماده اقتران به معنی نزدیکی گرفته شده است به قوم و جمعیتی که در یک زمان جمعند نیز گفته می‌شود.

سپس هشدار دیگری به آنها می‌دهد که به آنها بگو گمان نکنید ای ستمگران بیایمان این مال و ثروت شما مایه رحمت است، بلکه چه بسا، این دلیل عذاب الهی باشد: «کسی که در گمراهی است و اصرار بر ادامه این راه دارد خداوند به او مهلت می‌دهد، و این زندگی مرفه همچنان ادامه مییابد» (قل من کان فی الضلالة فليمدد له الرحمن مدا).

«تا زمانی که وعده‌های الهی را با چشم خود ببینند یا عذاب این دنیا یا عذاب آخرت» (حتی اذا راءوا ما يوعدون اما العذاب و اما الساعة). «آن روز است که خواهند دانست، چه کسی مکان و مجلسش بدتر و چه کسی لشکرش ناتوانتر است» (فسيعلمون من هو شر مكانا و اضعف جندا).

در حقیقت اینگونه افراد منحرف که دیگر قابل هدایت نیستند (توجه داشته باشید که قرآن «من کان فی الضلالة» می‌گوید که اشاره به استمرار در گمراهی است) برای اینکه دردناکترین مجازات الهی را ببینند گاهی خداوند آنها را در نعمتها غوطه‌ور می‌سازد که هم مایه غرور و غفلتشان می‌شود، و هم عذاب الهی، سلب نعمتها را دردناکتر می‌کند، این همان چیزی است که در بعضی از آیات قرآن به عنوان مجازات «استدراج» ذکر شده است.

جمله «فليمدد له الرحمن مدا» گرچه به صورت امر است، ولی در معنی خبر می‌باشد و مفهوم آن این است که خداوند به آنها مهلت و ادامه نعمت می‌دهد.

بعضی از مفسران نیز آن را به همان معنی امر که در اینجا به مفهوم نفرین

یا به معنی لزوم چنین رفتاری بر خدا تفسیر کرده‌اند، ولی تفسیر اول نزدیکتر به نظر می‌رسد.

کلمه «عذاب» در آیه فوق به قرینه اینکه در مقابل «الساعة» قرار گرفته اشاره به مجازاتهای الهی در عالم دنیا است، مجازاتهای همچون طوفان نوح و زلزله و سنگهای آسمانی که بر قوم لوط نازل شد، یا مجازاتهای که به وسیله مؤمنان و رزمندگان جبهه حق، بر سر آنان فرود می‌آید، چنانکه (در سوره توبه آیه ۱۴) میخوانیم: قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم: با آنان پیکار کنید که خداوند آنها را با دست شما مجازات می‌کند».

و «الساعة» در اینجا یا به معنی پایان دنیا است، یا عذاب الهی در قیامت (معنی دوم مناسبتر به نظر می‌رسد).

این عاقبت و سرنوشت ستمگران و فریفته‌گان زرق و برق و لذات دنیا است «اما کسانی که در راه هدایت گام نهاده‌اند خداوند بر هدایتشان می‌افزاید»

(و یرید الله الذین اهتدوا هدی).

بدیهی است هدایت درجاتی دارد هنگامی که درجات نخستین آن بوسیله انسان پیموده شود خداوند دست او را میگیرد و بدرجات عالیتر میبرد، و همچون درخت باروری که هر روز مرحله تازه‌ای از رشد و تکامل را میپیماید این هدایت یافتگان نیز در پرتو ایمان و اعمال صالحشان هر روز به مراحل بالاتری گام مینهند. در پایان آیه به آنها که برزیورهای زودگذرشان در دنیا تکیه کرده، و آنرا وسیله تفاخر بر دیگران قرار داده‌اند پاسخ می‌دهد که آثار و اعمال صالحی که از انسان باقی‌میماند در پیشگاه پروردگار تو ثوابش بیشتر و عاقبتش ارزشمندتر است (و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر مردا).

آیه ۷۷ - ۸۲

آیه و ترجمه

۷۷ افرایت الذی کفر بایتنا و قال لاوتین مالا و ولدا

۷۸ اءطلع الغیب اءم اتخذ عند الرحمن عهدا

۷۹ کلا سنکتب ما یقول و نمد له من العذاب مدا

۸۰ و نرته ما يقول و یاتینا فردا

۸۱ واتخذوا من دون الله ءالهة لیکونوا لهم عزا

۸۲ کلا سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدا

ترجمه :

۷۷ - آیا ندیدی کسی را که آیات ما را انکار کرد و گفت اموال و فرزندان فراوانی نصیبم خواهد شد!

۷۸ - آیا او از اسرار غیب مطلع گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟

۷۹ - هرگز چنین نیست ما به زودی آنچه را او می گوید مینویسیم، و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت!

۸۰ - آنچه را او می گوید (از اموال و فرزندان) از او به ارث میبریم و تک و تنها نزد ما خواهد آمد.

۸۱ - آنها غیر از خدا معبودانی برای خود انتخاب کردند تا مایه عزتشان باشد (چه پندار خامی؟).

۸۲ - هرگز چنین نیست، به زودی معبودها منکر عبادت آنها خواهند شد، بلکه بر ضدشان قیام می کنند.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۲۷

تفسیر:

یک تفکر خرافی و انحرافی

بعضی از مردم معتقدند که ایمان و پاکی و تقوا با آنها سازگار نیست! و سبب می شود که دنیا به آنها پشت کند، در حالی که با بیرون رفتن از محیط ایمان و تقوا، دنیا به آنها رو خواهد کرد، و مال و ثروت آنها زیاد می شود! این طرز فکر خواه بر اثر سادهلوحی و پیروی خرافات باشد، و خواه پوششی برای فرار از زیر بار مسئولیتها و تعهدهای الهی، هر چه باشد یک طرز فکر خطرناک است.

گاه دیده ایم این موهوم پرستان، مال و ثروت بعضی افراد بیایمان، و فقرو محرومیت گروهی از مؤمنان را مستمسکی برای اثبات این خرافه قرار میدهند در حالی که میدانیم نه اموالی که از طریق ظلم و کفر و ترک مبانی تقوا به انسان میرسد مایه افتخار است، و نه هرگز ایمان و پرهیزکاری سدی بر سر راه فعالیت های مشروع و مباح می باشد.

به هر حال در عصر و زمان پیامبر - همچون عصر ما - افراد نادانی بودند که

چنین پنداری داشتند و یا لااقل تظاهر به آن میکردند.
قرآن در آیات مورد بحث - به تناسب بحثی که قبلاً پیرامون سرنوشت کفار و ظالمان بیان شد - از این طرز فکر و عاقبت آن سخن می‌گوید.
در نخستین آیه میفرماید: «آیا ندیدی کسی را که آیات ما را انکار کرد و به آن کفر ورزید، و گفت: مسلماً اموال و فرزندان فراوانی نصیبم خواهد شد!» (الفرائط الذی کفر بایاتنا و قال لاوتین مالا و ولدا).

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۲۸

سپس قرآن به آنها چنین پاسخ می‌گوید: آیا او از اسرار غیب آگاه شده یا از خدا عهد و پیمانی در این زمینه گرفته است؟! (اطلع الغیب ام اتخذ عند الرحمن عهداً).
کسی میتواند چنین پیشگویی کند و رابطهای میان کفر و دارا شدن مال و فرزندان قائل شود که آگاه بر غیب باشد، زیرا هیچ رابطهای میان این دوما نمی‌بینیم، و یا عهد و پیمانی از خدا گرفته باشد، چنین سخنی نیز بی‌معنی است.
بعد با لحن قاطع اضافه می‌کند: این چنین نیست (هرگز کفر و بیایمانی مایه فزونی مال و فرزند کسی نخواهد شد) ما به زودی آنچه را می‌گویید، مینویسیم (کلا سنکتب ما یقول).
آری این سخنان بی‌پایه که ممکن است مایه انحراف بعضی از سادهلوحان گردد همه در پرونده اعمال آنها ثبت خواهد شد.
«و ما عذاب خود را بر او مستمر خواهیم داشت» (عذابهای پیدری و یکی بالای دیگر) (و نمد له من العذاب مدا).
این جمله ممکن است اشاره به عذاب مستمر و جاویدان آخرت بوده باشد، و نیز ممکن است اشاره به عذابهای باشد که بر اثر کفر و بیایمانی در این دنیا دامنگیر آنها می‌شود، این احتمال نیز قابل ملاحظه است که این مال و فرزندان که مایه غرور و گمراهی است، خود عذابی است مستمر برای آنها!

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۲۹

«آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان) از او به ارث می‌بریم، و روز قیامت تک و تنها نزد ما خواهد آمد» (و نرثه ما یقول و یتینافردا).

آری سرانجام همه این امکانات مادی را میگذارد و می‌رود و با دست‌تهی در آن دادگاه عدل پروردگار حاضر می‌شود، در حالی که نامه اعمالش از گناهان سیاه و از حسنات خالی است آنجا است که نتیجه این گفته‌های بیاساس خود را در دنیا می‌بیند.

آیه بعد به یکی دیگر از انگیزه‌های این افراد در پرستش بتها اشاره کرده می‌گوید: آنها غیر از خدا معبودانی برای خود انتخاب کرده‌اند تا مایه عزتشان باشد (و اتخذوا من دون الله آلهة لیکونوا لهم عزا).

تا برای آنها در پیشگاه خدا شفاعت کنند، و در مشکلات یاریشان دهند، اما چه پندار نادرست و خیال خامی؟!

هرگز آنچنان که آنها پنداشتند نیست، نه تنها بتها مایه عزتشان نخواهند بود، بلکه سرچشمه ذلت و عذابند، و به همین جهت «به زودی یعنی در روز رستاخیز معبودها منکر عبادت عابدان میشوند و از آنها بیزاری میجویند بلکه بر ضدشان خواهند بود» (کلا سیکفرون بعبادتهم ویکونون علیهم ضدا).

این جمله اشاره به همان مطلبی است که در آیه ۱۴ سوره فاطر میخوانیم: و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر ان تدعوهم لایسمعوا دعائکم... و یوم القیامة یکفرون بشرکم: «کسانی را که غیر از خدا میخوانید مالک هیچ چیزی نیستند، اگر آنها را بخوانید سخنان شما رانمی‌شنوند... و روز رستاخیز منکر شرک شما میشوند».

و نیز در آیه ۶ سوره احقاف میخوانیم: و اذا حشر الناس کانوا لهم اعداء: هنگامی که مردم محشور شوند این معبودها دشمنان آنها خواهند بود».

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۰

این احتمال را نیز بعضی از مفسران بزرگ داده‌اند که منظور از آیه فوق این است که عبادت کنندگان بتها، در قیامت که پرده‌ها کنار می‌رود و همه حقایق آشکار می‌شود و خود را رسوا می‌بینند، منکر عبادت بتها میشوند، و بر ضد آنها سخن خواهند گفت، چنانکه در آیه ۲۳ سوره انعام میخوانیم: بتپرستان در قیامت میگویند: و الله ربنا ما کنا مشرکین: «به خدائی که پروردگار ما است سوگند که ما هرگز مشرک نبودیم»!.

ولی تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است، چرا که عبادت‌کنندگان میخواستند، معبودان عزتشان باشند ولی سرانجام ضدشان میشوند.

السته معبودهائی همچون فرشتگان یا شیاطین و جن که دارای عقل و درکند و وضعشان روشن است، ولی معبودهای بیجان در آن روز، ممکن است به فرمان خدا به سخن درآیند و بیزاری خود را از عابدان اعلام کنند.

از حدیثی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده نیز همین تفسیر رامیتوان استفاده کرد زیرا امام در تفسیر آیه فوق میفرماید: یكون هؤلاء الذين اتخذوهم الهة من دون الله ضدا يوم القيامة، و يتبرئون منهم و من عبادتهم الى يوم القيامة: روز قیامت معبودهائی را که جز خدا انتخاب کردند بر ضدشان خواهند بود و از آنها و از عبادت کردنشان بیزاری میجویند.

جالب اینکه در ذیل حدیث جمله کوتاه و پرمحتوائی در باره حقیقت عبادت، میخوانیم: ليس العبادة هي السجود و لا الركوع، و انما هي طاعة الرجال، من اطاع مخلوقا في معصية الخالق فقد عبده: «(عبادت) (تنها) سجود و رکوع نیست، بلکه حقیقت عبادت، اطاعت این و آن است، هر کس مخلوقی را در معصیت خالق اطاعت کند او را پرستش کرده است» (و سرنوشت او همان سرنوشت مشرکان و بتپرستان است).

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۱

آیه ۸۳ - ۸۷

آیه و ترجمه

۸۳ اءلم تر اءنا اءرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزهم اءزا

۸۴ فلا تعجل علیهم انما نعد لهم عدا

۸۵ يوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا

۸۶ و نسوق المجرمین الی جهنم وردا

۸۷ لا یملکون الشفعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا

ترجمه :

۸۳ - آیا ندیدی که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنها را شدیداً تحریک کنند.

۸۴ - بنابراین در باره آنها عجله مکن ما آنها (و اعمالشان) را دقیقاً شماره خواهیم کرد.

۸۵ - در آن روز که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان (و پاداشهای او) راهنمایی میکنیم.

۸۶ - و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه میروند) به

جهنم میرانیم.

۸۷ - آنها هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارد.

تفسیر:

چه کسانی صلاحیت شفاعت دارند؟

با توجه به بحثی که در آیات گذشته پیرامون مشرکان ذکر شد آیات مورد بحث در حقیقت اشاره به بعضی از علل انحراف آنها و سپس عاقبت و سرانجام شومشان می کند، و این حقیقت را نیز به ثبوت می رساند که معبودها نه تنها مایه

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۲

عزیشان نبودند بلکه مایه بدبختی و ذلتشان گشتند.

نخست می گوید: «آیا ندیدی که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم که آنها را در راه غلطشان تحریک بلکه زیر و رو می کند» (الم تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین تؤزهم ازا).

«از» چنانکه راغب در مفردات می گوید در اصل به معنی جوشش دیک و زیر و رو شدن محتوای آن به هنگام شدت غلیان است و در اینجا کنایه از آنست که شیاطین آنچنان بر آنها مسلط میشوند که در هر مسیر و به هر شکلی بخواهند آنانرا به حرکت در می آورند، و زیر و رومیکنند!

بدیهی است - و بارها هم گفته ایم - که تسلط شیاطین بر انسانها یک تسلط اجباری و ناآگاه نیست، بلکه این انسان است که به شیاطین اجازه ورود به درون قلب و جان خود می دهد، بند بندگی آنها را بر گردن مینهد و اطاعتشان را پذیرا می شود، همانگونه که قرآن در آیه ۱۰۰ سوره نحل می گوید: انما سلطانہ علی الذین یتولونہ و الذین ہم بہ مشرکون: تسلط شیطان تنها بر کسانی است که ولایت او را پذیرا گشته، و او را بت و معبود خود ساخته اند». سپس روی سخن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده می گوید: «درباره آنها عجله مکن ما تمام اعمال آنها را دقیقاً شماره و احصا می کنیم» (فلا تعجل علیهم انما نعد لهم عدا).

و همه را برای آن روز که دادگاه عدل الهی تشکیل می شود، ثبت و ضبط خواهیم کرد.

این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که منظور از شمردن ایام عمر، بلکه

نفسه‌های آنها است، یعنی مدت بقاء آنها کوتاه است و تحت شماره و عدد میباشد، زیرا معدود بودن چیزی معمولاً کنایه از کم و کوتاه بودن آنست.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۳

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «انما نعد لهم عدا» چنین می‌خوانیم: از یکی از دوستان خود سوال فرمود: به عقیده تو منظور پروردگار از این آیه شمردن چه چیز است؟ او در پاسخ عرض کرد: عدد روزها، امام فرمود: پدران و مادران هم حساب روزهای عمر فرزندان را دارند، و لکنه عدد الانفاس: «منظور شمارش عددنفسهاست»!

این تعبیر امام ممکن است اشاره به تفسیر اول یا تفسیر دوم و یا هر دو تفسیر باشد.

به هر حال دقت در محتوای این آیه انسان را تکان می‌دهد، چرا که ثابت می‌کند همه چیز ما حتی نفسهای ما روی حساب و تحت شماره است، و باید روزی پاسخگوی همه آنها باشیم.

سپس مسیر نهائی متقین و مجرمین را در عباراتی کوتاه و گویا چنین بیان می‌کند همه این اعمال را برای روزی ذخیره کرده‌ایم که پرهیزگاران را دستجمعی با عزت و احترام به سوی خداوند رحمان، به سوی بهشت و پاداشهای او راهنمایی میکنیم (یوم نحشر المتقین الی الرحمان وفدا).

«وفد» (بر وزن وعد) در اصل به معنی هیئت یا گروهی است که برای حل مشکلاتشان نزد بزرگان میروند و مورد احترام و تکریم قرار میگیرند، بنابراین بطور ضمنی مفهوم احترام را در بردارد و شاید به همین جهت است که در بعضی از روایات میخوانیم پرهیزگاران بر مرکبهای راهواری سوار میشوند و با احترام فراوان به بهشت میروند.

امام صادق (علیه السلام) میفرماید: علی (علیه السلام) تفسیر این آیه را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جویا شد (یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا) فرمود: یا علی الوفد لا یكون

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۴

الا رکبانا اولئک رجال اتقوا الله عز و جل، فاحبهم و اختصهم و رضی اعمالهم فسماهم متقین: ای علی! وفد، حتماً به کسانی میگویند که سوار بر مرکبند آنها

افرادی هستند که تقوا و پرهیزگاری را پیشه ساختند، خدا آنها را دوست داشت و آنان را مخصوص خود گردانید، و از اعمالشان خوشنود شد، و نام متقین بر آنها گذارد...»

جالب توجه اینکه در آیه فوق میخوانیم: پرهیزگاران را به سوی خدای رحمان میبرد، در حالی که در آیه بعد سخن از راندن مجرمان به جهنم است آیا مناسبتر این نبود که به جای رحمان در اینجا جنت گفته شود؟ ولی این تعبیر در حقیقت اشاره به نکته مهمی دارد و آن اینکه پرهیزکاران بالاتر از بهشت را در آنجا مییابند، به مقام قرب خدا و جلوه‌های خاص او نزدیک میشوند، و رضایت او که برترین بهشت است درک میکنند (تعبیراتی که در حدیث فوق از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواندیم نیز اشاراتی به همین معنی دارد). سپس می‌گوید در مقابل مجرمان را در حالی که تشنه‌کامند به سوی جهنم میرانیم (و نسوق المجرمین الی جهنم وردا). همانگونه که شتران تشنه را به سوی آبگاه میرانند، منتها در اینجا آبی نیست بلکه آتش است.

باید توجه داشت که کلمه «ورد» به معنی گروه انسانها یا حیواناتی است که وارد آبگاه میشوند، و از آنجا که چنین گروهی حتما تشنه‌اند مفسران این تعبیر را در اینجا به معنی تشنه‌کامان گرفته‌اند. چقدر فاصله است میان کسانی که آنها را با عزت و احترام به سوی خداوند رحمان میبرند، فرشتگان به استقبالشان میشتابند و بر آنها سلام و درود میفرستند

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۵

و گروهی که آنها را همچون حیوانات تشنه‌کام به سوی آتش دوزخ میرانند، در حالی که سر بزیرند و شرمسار و رسوا و بیمقدار؟ و اگر تصور کنند که در آنجا از طریق شفاعت میتوانند به جایی برسند، باید بدانند که آنها هرگز مالک شفاعت در آنجا نیستند (لا یملکون الشفاعة). نه کسی از آنها شفاعت می‌کند، و به طریق اولی قادر بر آن نیستند که از کسی شفاعت کنند.

«تنها کسانی مالک شفاعتند که در نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارند»

(الا من اتخذ عند الرحمن عهدا).

تنها این دسته‌اند که مشمول شفاعت شافعان میشوند و یا مقامشان از این هم برتر است و توانائی دارند از گنهکارانی که لایق شفاعتند شفاعت کنند.

معنی «عهد» چیست؟

در اینکه منظور از عهد در آیه فوق که می‌گوید تنها کسانی مالک شفاعتند که نزد خدا عهدی دارند، چیست؟ مفسران بحثهای فراوانی کرده‌اند.

بعضی گفته‌اند: «عهد» همان ایمان به پروردگار و اقرار به یگانگی او و تصدیق پیامبران خدا است. بعضی دیگر گفته‌اند: عهد در اینجا به معنی شهادت به وحدانیت حق و بیزاری از کسانی است که در برابر خدا پناهگاه و قدرتی قائلند و همچنین امید نداشتن به غیر «الله».

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ یکی از دوستانش که از تفسیر آیه فوق سؤال کرد فرمود: من دان بولاية امير المؤمنين و الائمة من بعده فهو العهد عند الله: «کسی که به ولایت امیر مؤمنان و امامان اهل بیت بعد از او عقیده داشته باشد

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۶

عهد نزد خداست» در روایت دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) میخوانیم: من ادخل علی مؤمن سرورا فقد سرنی و من سرنی فقد اتخذ عند الله عهدا: «کسی که سرور و شادی در دل مؤمنی ایجاد کند مرا سرور کرده، و هر کس مرا سرور کند عهدی نزد خدا دارد.

در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میخوانیم که محافظت بر عهد همان محافظت بر نمازهای پنجگانه است.

از بررسی روایات فوق که در منابع مختلف اسلامی آمده، و همچنین کلمات مفسران بزرگ اسلام، چنین نتیجه میگیریم که عهد نزد خدا - همانگونه که از مفهوم لغوی آن استفاده می‌شود - معنی وسیعی دارد که هر گونه رابطه با پروردگار و معرفت و اطاعت او، و همچنین ارتباط و پیوند با مکتب اولیای حق، و هر گونه عمل صالح در آن جمع است، هر چند در هر روایتی به بخشی از آن یا مصداق روشنی اشاره شده است.

لذا در حدیث دیگری که در بیان چگونگی وصیت کردن از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده تقریباً تمام مسائل اعتقادی جمع است، آنجا که فرمود: مسلمان باید در آستانه مرگ چنین وصیت کند، و بگوید: پروردگارا! توئی که خالق آسمانها و زمین هستی، دانای پنهان و آشکاری، رحمان و رحیمی من در این دنیا با تو پیمان میبندم و شهادت میدهم که

معبودی جز تو نیست، یگانهای، شریکی نداری، محمد بنده و فرستاده تو است، بهشت حق است، دوزخ حق است، رستاخیز و حساب، حق است، تقدیر و میزان سنجش اعمال حق است

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۷

دین همانگونه است که تو بیان کردی، و اسلام همانست که تو تشریع نمودی، و سخن همانست که تو گفته‌ای، قرآن همان گونه است که تونازل کردی، تو خداوند حق و آشکاری، پروردگارا! محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را از ما به بهترین پاداشی پاداش ده و تحیت و سلام براو و آتش بفرست. پروردگارا! تو سرمایه من در مشکلاتی و یار من در شدتها، تو ولی نعمت منی، تو معبود من و معبود پدران منی، به اندازه یک چشم بر هم زدن مرابه خود وامگذار که اگر واگذاری به بدیها نزدیک، و از نیکیها دور میشوم ای خدای من! تو مونس من در قبر باش و برای من عهدی قرار ده که درروز قیامت آن را گشاده ببینم.

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بعد از اعتراف به این حقایق آنچه را که لازم میبیند وصیت می کند و تصدیق این وصیت درسوره مریم است در آیه لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا این است عهد و وصیت..»

بدیهی است منظور این نیست که مطالب فوقرا به عربی و فارسی همچون اورادی بخواند یا بنویسد، بلکه با تمام قلب به آن ایمان داشته باشد ایمانی که آثارش در تمام برنامه زندگی او آشکار گردد.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۸

آیه ۸۸ - ۹۵

آیه و ترجمه

۸۸ و قالوا اتخذ الرحمن ولدا

۸۹ لقد جئتم شیا ادا

۹۰ تکاد السموت یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا

۹۱ ان دعوا للرحمن ولدا

۹۲ و ما ینبغی للرحمن ان یتخذ ولدا

۹۳ ان كل من فى السموت و الارض الا ائى الرحمن عبدا

۹۴ لقد اءحصئهم و عدهم عدا

۹۵ و كلهم ءاتيه يوم القيمة فردا

ترجمه :

۸۸ - آنها گفتند خداوند رحمن فرزندی برای خود اختیار کرده!

۸۹ - چه سخن زشت و زنندهای آوردید.

۹۰ - نزدیک است آسمانها بخاطر این سخن از هم متلاشی گردد، وزمین

شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد!

۹۱ - از این رو که برای خداوند رحمن فرزندی ادعا کردند.

بعء ←

↑ فرست

→ قبل